

باسمه تعالی

وحيانی بودن چينش آيات در سوره ها^۱

يکي از موضوعات مهم در عرصه علوم قرآن، چگونگی گردآوری و تأليف اين کتاب آسمانی و کلام الهی است. اين بحث، آن چنان با اهميت و سرنوشت ساز است که کمتر قرآن پژوهی است که بحثی از کتاب علوم قرآنی خود را به آن اختصاص نداده باشد، فصلی در اين باب نگشوده باشد يا تألیفی مستقل با عنوان جمع قرآن به نگارش در نياورده باشد.

بحث چينش قرآن به طور عمده از دو جهت قابل طرح است: يکی ترتيب آيات در سوره ها و ديگری ترتيب سوره ها در قرآن. در اين تحقيق به ترتيب آيات در سوره ها پرداخته و سخن از ترتيب سوره ها در قرآن را به مجالی ديگر واگذار می کنيم.

۱. دليل قرآنی: استناد سوره ها به خدای متعالی در آيات تحدی

خداوند حکيم، سوره های قرآن را مصداق تام کلام خود معرفی کرده و همگان را به همآورد طلبی دعوت کرده و از مخالفان خواسته يک سوره^۲ يا ده سوره^۳ مانند قرآن بياورند و برای ساختن چنين سوره ای هر کس (غير از خدا) را نیز که می خواهند فرا بخوانند:

«...وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ...»^۴

و در حقيقت از همه دانشمندان، سخنوران و شاعران خود کمک بخواهند تا اگر بتوانند کلامی تام و دارای هدف مشخص مانند کوچکترين سوره های قرآن بياورند. که اگر چنين نبود، تحدی به آيات قرآنی تمام نمی شد،

۱. مطالب اين مقاله برگرفته از پايان نامه کارشناسی ارشد جناب آقای محمد برزگر است که در رشته علوم قرآن و در دانشکده علوم قرآن تهران دفاع شده است.

۲. بقره/۲۳؛ يونس/۳۸

۳. هود/۱۳

۴. يونس/۳۸

زیرا چنانکه قبلاً و از قول مؤلف المیزان بدان اشاره کردیم^۵ خصم می توانست از آیات، تعداد بسیاری را انتخاب کند و یک یک آنها را در مقابل کلمات شیرین شعرای عرب قرار داده به مقایسه بنشیند؛ بدون اینکه آنها را به هم ربط دهد، تا کلامی سر و ته دار و دارای غرض شود در مقابل اشعار عرب قرار داده بگوید: اشعار عرب خیلی شیواتر و شیرین تر از این کلمات بی معنا است.^۶

لذا همین آیات از مهمترین دلایل جمع توفیقی آیات در سوره های قرآن است زیرا چنانکه گفتیم از این آیات چنین بر می آید که خداوند، سوره های قرآن را به خود اسناد داده است و این مطلب نیز روشن است که استناد یک سخن به گوینده، در صورتی است که وی به کلمات آن، سامان بخشیده باشد و سبک بیانی آن گفتار یا نوشتار از آن او باشد، و گرنه هر زبانی پر از واژگان گوناگون است و آنچه مهم است، گزینش واژگان مناسب برای مقصود و چگونگی سامان دهی به آنهاست. بنا بر این، سخنی که خداوند آن را کلام خود می نامد، باید علاوه بر گزینش الفاظ، ترکیب آنها با یکدیگر و نظم کلمات نیز، از آن او باشد.^۷

بر این اساس قطعاً علاوه بر واژگان و آیات سوره ها، ترتیب و چگونگی چینش آیات در سوره ها نیز مستند به گوینده آن یعنی خدای سبحان است؛ چه اساساً نسبت کتابی به صاحب اثری وقتی درست می نماید که علاوه بر لفظ و معنا، ساختار عبارات آن هم از خود او باشد.^۸

نکته قابل توجه آنکه، سوره «یونس» و «هود» که مشتمل بر آیات تحدی هستند سور مکی بوده و بنا بر اکثر روایات ترتیب نزول، پنجاه و یکمین و پنجاه و دومین سوره از نظر ترتیب نزولند.^۹ و این یعنی اینکه سوره های قرآن از همان دوران مکه در میان مسلمانان و حتی کافران و مشرکان مشخص و مرتب بوده از سوی دیگر این آیات هرگز نسخ نشده است؛ از این رو می توان نتیجه گرفت که نه تنها ترتیب آیات سوره هائی که قبل از این دو سوره نازل

۵. ر.ک: ص ۱۶

۶. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۱۰/۱۶۷

۷. خرقانی، حسن، پیشین، ۴۲

۸. فقهی زاده، عبدالهادی، پیشین، ۵۸

۹. ن.ک: بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی، قم، انتشارات سبط النبى ﷺ، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه.ش، ۷۴

شده اند در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به وحی الهی شکل گرفته؛ بلکه سایر سوره ها نیز تا پایان نزول وحی از همین ویژگی برخوردار بوده اند.^{۱۰}

این مطلب که پشتوانه آن آیات صریح قرآن است برای اثبات این حقیقت که چینش آیات درون سوره ها توقیفی است، دلیلی تام و کافی به شمار می رود و لذا برخی دانشمندان و مفسران به این مطلب اذعان داشته اند. جوادی آملی تحدی قرآن به سوره ها را نشان از این می داند که سوره ها در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همگی مشخص، مضبوط و جمع بندی شده بوده و حدود و ثغور و آغاز و انجام آن مشخص بوده است.^{۱۱} آیت الله خوئی این مطلب را چنین تبیین می کند: «تعداد زیادی از آیات قرآن کریم بر این دلالت دارند که از زمان نزول قرآن سوره ها از همدیگر، متمایز و هر یک از آن ها جداگانه در میان مردم و حتی در میان مشرکان و اهل کتاب منتشر شده بود؛ زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طبق دستور قرآن، کفار و مشرکین را به مبارزه و معارضه خویش دعوت کرد و در این مبارزه، آوردن سخنانی همانند قرآن و سپس آوردن ده سوره و در نهایت، آوردن یک سوره مانند سوره های قرآن را به آن ها پیشنهاد نمود و معنای این مبارزه و پیشنهاد این است که سوره های قرآن حتی در دسترس کفار و مشرکین نیز قرار گرفته بود.»^{۱۲}

۲. مؤیدات روایی جمع توقیفی آیات در سوره های قرآن

بنا بر آنچه تا کنون بیان کردیم مشخص شد که اگر بنا باشد تمام معارف سوره های قرآن، الهی باشد و سوره های قرآن به تمامه از جانب پروردگار باشد چاره ای نیست جز اینکه نظم و ترتیب آن نیز در تمام سطوح از جانب پروردگار باشد و گر نه به ناچار بعضی از معارف آن نیز بشری خواهد بود.

۱۰. خامه گر، محمد، پیشین، ۷۷

۱۱. جوادی آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۵۹

۱۲. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الزهراء للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ چهارم، ۱۳۹۵ ه.ق، ۲۵۰-۲۵۱

برای اثبات توقیفی بودن جمع قرآن به خصوص ترتیب آیات در سوره ها، قرائن و شواهد دیگری از قرآن نیز می توان ارائه داد^{۱۳} اما در این تحقیق به همین برهان قرآنی اکتفا کرده و فقط در جهت تبیین بیشتر مطلب به برخی احادیث از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره می کنیم که این احادیث، همگی نشان می دهد که ساختمان کلی سوره ها در زمان نزول معین بوده است. این روایات را می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- روایاتی که اشاره به آغاز، میانه و انجام سوره ها در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می کند ۲- روایاتی که از سوره ها نام برده و برای آنها فضیلتی را قائل می شود.

۱-۲. روایات دسته اول

چنانکه اشاره کردیم روایات متعددی از لسان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود دارد که در آن به ابتدا، میانه و انتهای بسیاری از سوره ها اشاره می کند. دو روایت ذیل نمونه ای از این روایات می باشد:

الف- از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین روایت شده است که ایشان فرمودند: این دعا را بر ظرفی پاک با زعفران بنویس و بشوی و بیاشام:

اعوذ بكلمات الله التامة و اسمائه الحسنی كلها عامه من شر السامة و الهامة و من شر العين اللامة و من شر حاسد إذا حسد، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (همه سوره) و سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و سه آیه از سوره بقره (وَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا يَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) و آیه الكرسي و از (آمَنَ الرَّسُولُ تَأْخِرَ سَوْرَةَ بَقَرَةَ) و ده آیه از اول سوره آل عمران، و ده آیه از آخر آن (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) و آیه اول سوره نساء، و آیه اول سوره مائده و انعام و اعراف، و قوله تعالى (إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي - الی

۱۳. ن.ك: گلجانی امیر خیز، ایرج، هر سوره بسان مجموعه ای منظم، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۴۹ و ۵۰، ۴۸۶-۴۹۰؛ خامه گر،

قوله رَبُّ الْعَالَمِينَ) و (وَقَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ - الآيَةُ و (وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا

صَنَعُوا - الى قوله - حَيْثُ أَتَى) و ده آیه از اول سوره و الصافات. پس از آن بشوید آن را سه مرتبه و وضوء بگیرد مانند وضوی نماز و بیاشامد از آن سه جرعه و از آن بصورتش مسح کند و به سایر بدنش بمالد سپس دو رکعت نماز بخواند، و از خدا طلب شفا کند و این عمل را سه روز ادامه دهد، حسان گوید: ما آزمودیم و آن را نافع یافتیم باذن خدا.^{۱۴}

ب- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هر کس آیات اول سوره مبارکه بقره تا الْمُفْلِحُونَ، آیه وَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدًا

إِلَهُ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، آیه الْكُرْسِيِّ تا خَالِدُونَ، آیه إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ در سوره اعراف تا الْمُحْسِنِينَ،

آیات اول سوره مبارکه صافات تا لَازِبٍ، آیه يَامَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ در سوره الرحمن تا تَنْتَهِرَانِ، آیه آخر

سوره حشر و آیات اول سوره جن تا شَطَطًا را قرائت کند؛ خداوند او را از شر هر شیطان سرکش و هر سلطان

تجاوزگر نجات می دهد.^{۱۵}

۱۴. نوری، میرزا حسین، پیشین، ۳۸۸/۶-۳۸۹؛ متن روایت بدین گونه است: عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ تَكْتَبُ فِي إِتَاءِ نَظِيفٍ بِزَعْفَرَانٍ ثُمَّ

تَغْسِلُ وَ تَشْرَبُ أَعْوَدُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ وَ أَسْمَائِهِ الْحُسْنَىٰ كُلِّهَا عَامَّةً مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْهَامَةِ وَ مِنْ شَرِّ الْعَيْنِ اللَّامَةِ «وَمِنْ هَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السُّورَةَ وَ سُورَةَ الْإِخْلَاصِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ سُورَةِ الْبَقَرَةِ قَوْلُهُ وَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ إِلَى قَوْلِهِ يَمْعَلُونَ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ آمَنَ الرَّسُولُ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ وَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ مِنْ أَوَّلِهَا وَ عَشْرًا مِنْ آخِرِهَا إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ أَوَّلَ آيَةٍ مِنَ النِّسَاءِ وَ أَوَّلَ آيَةٍ مِنَ الْمَائِدَةِ وَ أَوَّلَ آيَةٍ مِنَ الْأَنْعَامِ وَ أَوَّلَ آيَةٍ مِنَ الْأَعْرَافِ وَ قَوْلُهُ تَعَالَىٰ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ إِلَى قَوْلِهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ آيَةً وَ أَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا إِلَى قَوْلِهِ حَيْثُ أَتَى وَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ الصَّافَّاتِ ثُمَّ تَغْسِلُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تَتَوَضَّأُ وَضُوءَ الصَّلَاةِ وَ تَحْسُو مِنْهُ ثَلَاثَ حَسَوَاتٍ وَ تَمْسُحُ بِهِ وَجْهَكَ وَ سَائِرَ جَسَدِكَ ثُمَّ تُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ وَ تَسْتَشْفِي اللَّهُ تَعَالَىٰ ذَلِكَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ قَالَ حَسَّانٌ قَدْ جَرَّبْنَاهُ فَوَجَدْنَاهُ يَنْفَعُ بِإِذْنِ اللَّهِ

۱۵. المجلسی، محمد باقر، پیشین، ۳۸/۸۳؛ متن روایت بدین گونه است: عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَرَأَ أَوَّلَ الْبَقَرَةِ إِلَى الْمُفْلِحُونَ وَ

إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ آيَةً وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ إِلَى خَالِدُونَ وَ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ فِي الْأَعْرَافِ إِلَى الْمُحْسِنِينَ وَ أَوَّلَ الصَّافَّاتِ إِلَى

این نقلها^{۱۶} روی هم رفته بیانگر شکل گیری و تعیین سوره ها در دوران رسالت است. چرا که در این روایات آغاز، میانه و پایان سورهایی به مانند بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، صافات، الرحمن، حشر، جن مشخص شده است و وقتی در آن دوران، اول و آخر سوره هایی طولانی به مانند بقره، آل عمران مشخص بوده، به طریق اولی سوره های کوتاهتر نیز از این مزیت برخوردار بوده است.^{۱۷} به ویژه اینکه سوره ای به مانند بقره هم بزرگترین سوره قرآن و هم مدنی و تدریجی النزول است.^{۱۸}

و یا وقتی سوره مائده که علاوه بر طولانی، مدنی و تدریجی النزول بودن^{۱۹}، بنا به پژوهش محققان و مفسرانی که بر روی ترتیب نزول سوره ها کار کرده و قرآن را بر اساس ترتیب نزول تفسیر کرده اند و با توجه به روایات ترتیب نزول، سوره ۱۱۱۲م یا ۱۱۱۳م و یا ۱۱۱۴م قرآن بر اساس ترتیب نزول است^{۲۰}؛ چنان برای همگان با ترتیب آیاتش، شناخته شده بوده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به راحتی از آن نام برده و اشاره به آیه اول آن می کند؛ لذا مشخص می شود

لَا زِبَّ وَ يَأْمُرُ الْجَنِّ وَالْإِنْسَ فِي الرَّحْمَنِ إِلَى تَنْصِرَانٍ وَ آخِرَ سُورَةِ الْحَشْرِ وَ قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ قَوْلُهُ شَطَطًا كَفَى اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ شَرًّا كُلَّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ وَ سُلْطَانٍ غَاتٍ.

۱۶. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۴ه.ش، ۱۰۴؛ دیلمی، محمد بن ابی الحسن، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، انتشارات آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ه.ق، ۳۶۹؛ الحر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ه.ق، ۲۵۰/۶ و ۱۰۸/۸؛ حلّی، جمال الدین ابوالعباس احمد بن محمد، عده الداعی، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ه.ق، ۲۹۴؛ سید ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی، جمال الاسبوع، قم، انتشارات رضی، بی جا، بی تا، ۱۲۷؛ همو، الاقبال بأعمال السنه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۷ه.ش، ۷۰۱ و ۶۵۵؛ همو، مهج الدعوات، قم، دار الذخایر، چاپ اول، ۱۴۱۱ه.ق، ۳۱۷؛ شعیری، تاج الدین محمد محمد، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ه.ش، ۴۵؛ عیاشی، محمد بن مسعود، پیشین، ۲۵/۱؛ طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهدج، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چاپ اول، ۱۴۱۱ه.ق، ۸۳۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، پیشین، ۶۲۱/۲؛ المجلسی، محمد باقر، پیشین، ۳۶۵/۸۶ و ۳۷۱/۸۸ و ۲۶۵/۸۹ و ۴۱۵/۹۵.

۱۷. فقهی زاده، عبدالهادی، پیشین، ۵۷

۱۸. رجبی، محسن، پیشین، ۲۵۷

۱۹. همان

۲۰. ن.ک: بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی، قم، انتشارات سبط النبی صلی الله علیه و آله، چاپ اول، ۱۳۸۷ه.ش، ۶۷/۱-۷۶؛ ملا حویش آل غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، چاپ اول، ۱۳۸۲ه.ق، ۲۸۵/۶؛ دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، قاهره، دار إحياء الكتب العربیة، بی جا، ۱۳۸۳ه.ق، ۱۶/۱

که سوره های دیگر نیز در زمان صدر اسلام، کاملاً مرتب شده در اختیار آحاد جامعه قرار داشته و مردم ابتدا و انتها و ترتیب آنها را می دانسته اند.

۲-۲. روایات دسته دوم

دسته دوم از روایاتی که نشان می دهد سوره های قرآن از همان صدر اسلام تشخیص و تعریف ویژه ای در بین مسلمانان داشته است روایات فضیلت سوره ها می باشد. دو نمونه از این روایات بدین شرح است:

الف- از پیامبر گرامی نقل شده است که: هر کس سوره نساء را قرائت کند، گویی به هر مؤمنی که پس از وی بیاید، میراثی صدقه داده و اجر او به اندازه کسی است که، بنده ای را بخرد و آزاد کند و از شرک، بری می شود و در مشیت الهی، از کسانی است که از خطای آنها چشم پوشی شده است.^{۲۱}

ب- از پیامبر گرامی نقل شده است که: هر کس سوره مائده را قرائت کند، به تعداد همه یهودیان و مسیحیانی که در دار دنیا زندگی می کنند به او اجر ده حسنه داده و ده سیئه از او پاک و ده درجه بالا برده می شود.^{۲۲}

روایات فضائل سوره که به تعدادی از آنها اشاره شد در کتب حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ و معصومان علیهم السلام نقل شده است.^{۲۳} این روایات نیز نشان می دهد که سوره ها و حدود و ثغورش در همان زمان صدر اسلام سوره ها مشخص و معلوم بوده؛ به خصوص اینکه به عنوان مثال بعضی از این روایات که بدان اشاره شد، به فضیلت سوره های طوال، مدنی و تدریجی النزول چون نساء و مائده^{۲۴} اشاره می کند و لذا این روایات به طریق اولی نشان دهنده تشخیص سوره های کوچک یا مکی یا دفعی النزول در صدر اسلام و مشخص بودن آغاز و انجام آنها است.

۲۱. نوری، میرزا حسین، پیشین، ۴/ ۳۳۸؛ متن روایت بدین شرح است: عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ مَنْ قَرَأَ سُورَةَ النَّسَاءِ فَكَأَنَّمَا تَصَدَّقَ عَلَيَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَرِثَ مِيرَاثًا وَ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ اشْتَرَى مُحْرَرًا وَ بَرِيًّا مِنَ الشَّرْكِ وَ كَانَ فِي مَشِيئَةِ اللَّهِ مِنَ الَّذِينَ يَتَجَاوَزُ عَنْهُمْ

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ۳/ ۲۳۱؛ متن روایت بدین شرح است: عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْمَائِدَةِ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ بِعَدَدِ كُلِّ يَهُودِيٍّ وَ نَصْرَانِيٍّ يَتَنَفَّسُ فِي دَارِ الدُّنْيَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مُجِيَّ عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ

۲۳. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم،

ش ۱۳۷۲ ه.ش، قبل از تفسیر هر سوره، بخش فضیلت سوره و یا نوری، میرزا حسین، پیشین، ۴/ ۳۲۷-۳۷۱

۲۴. رجبی، محسن، پیشین، ۲۵۷

۳. نقد دلایل مخالفان جمع توقیفی قرآن

بر اساس دلایل قرآنی و روایی مطرح شده، توقیفی بودن ترتیب سوره های قرآن به روشنی ثابت می شود، لذا در حقیقت دیگر نیازی به بررسی ناتوانی های دلائل طرفداران اجتهادی بودن چینش سوره ها نیست. اما برای آنکه جای هیچ گونه شکی در اذهان باقی نماند، به نقد مهمترین دلیل آنها که عبارتند از اخباری پیرامون جمع قرآن بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، می پردازیم تا سستی این دلیل هم روشن شود.

۳-۱. روایات جمع قرآن در زمان خلفاء

مهمترین ادله مخالفان توقیفیت ترتیب سوره ها، آن دسته از روایاتی است که گروهی از محدثان و قرآن پژوهان نقل کرده اند که قرآن پس از پیامبر صلی الله علیه و آله گردآوری شده است. در این روایات آمده است که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اصحاب، قرآن را که بر روی چوب ها، استخوان ها، سنگ ها و رقع و پوست حیوانات نوشته شده و به طور پراکنده بود، جمع آوری و آنها را منظم و مرتب کردند.^{۲۵}

این روایات که بنا به تحقیق آیت الله خویی (ره) ۲۲ روایت است^{۲۶} علاوه بر اینکه متواتر و یا خبر واحد محفوظ به قرینه قطعی نیستند^{۲۷} با ادله قرآنی و روایی که ذکر شد نیز تعارض دارند؛ اما علاوه بر عیوب گفته شده؛ از دو جهت دیگر اشکال دارد:

۱- این روایات تناقضات فراوانی با یکدیگر دارد^{۲۸} که دکتر رامیار در کتاب تاریخ قرآن خود تعدادی از آنها را ذکر می کند^{۲۹} و بنا به کنکاش محققانه آیت الله خوئی (ره) پیرامون این مسأله شمار این تناقضات به ۱۲ می رسد.^{۳۰}

۲۵. ن.ک: ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی چا، بی تا، ۱۳/۱؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، استانبول، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۱ه.ق، ۵/۲۱۰-۲۱۱؛ سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، پیشین، ۲۰۸/۱-۲۱۳

۲۶. ن.ک: خویی، سید ابوالقاسم، پیشین، ۲۴۰-۲۴۶

۲۷. جوادی آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، پیشین، ۱۵۷

۲۸. البلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، مکتبه الوجدانی، چاپ دوم، بدون تا، ۱۹؛ عسگری، سید مرتضی، پیشین، ۷۵-۹۴

۲۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، چاپخانه سپهر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ه.ش، ۳۲۷

۳۰. ر.ک: خوئی، سید ابوالقاسم، پیشین، ۲۴۷-۲۴۹؛ خلاصه این دوازده جهت به شرح ذیل است: ۱- زمان جمع آوری قرآن: گروهی از روایات آن را در زمان ابوبکر، برخی زمان عمر و بعضی زمان عثمان می دادند ۲- متصدی جمع آوری قرآن: دو روایت اشاره می کنند که متصدی و مباشر جمع آوری قرآن زید بن ثابت بوده است، ولی روایتی می گوید: متصدی اینکار خود ابوبکر بوده و زید بن ثابت طبق دستور ابوبکر تنها به صحیفه‌ها و کتبه‌های جمع آوری شده، نگاه می کرد و از روایات دیگری در می آید که زید بن ثابت و عمر هر دو متصدی این عمل بوده‌اند. ۳- آیا جمع آوری قرآن به زید بن ثابت محول شده بود؟ از یک روایت بر می آید که ابوبکر جمع آوری قرآن را به زید محول کرده بود، اما از بعضی روایات دیگر استفاده می شود که مسئله تفویض و محول نمودن در میان نبوده است و چند نفر متصدی اینکار بوده است. ۴- آیا قسمتی از آیات قرآن تا دوران عثمان نوشته شده بود؟ اکثر روایات صراحت دارند که تمام آیات قرآن در صحیفه‌ها، اوراق و قطعات مختلف به طور پراکنده ضبط شده بود، ولی از یک روایت چنین بر می آید که قسمتی از آیات قرآن تا دوران عثمان نوشته نشده بود، و فقط در حافظه‌ها بود. ۵- آیا عثمان از آنچه قبلاً نوشته شده بود، چیزی کم کرد؟ از اکثر روایات استفاده می شود که عثمان از آنچه که قبلاً نوشته شده بود، چیزی کم نکرد ولی روایتی تصریح می کند که قسمتی از آنچه را که قبلاً نوشته شده بود، از بین برد و به مسلمانان نیز دستور داد، آنرا از بین ببرند ۶- عثمان، مصحف خویش را از کدام مأخذ جمع آوری کرد؟ دو روایت تصریح می کنند که عثمان به صحیفه‌هایی که ابوبکر جمع کرده بود، اعتماد نموده و مصحف خویش را از آنها استنساخ و جمع آوری کرد اما ۳ روایت بر این معنی تصریح دارند که عثمان مصحف خویش را با شهادت دو نفر و با تضمین خود آن شخص که آیه را از رسول خدا شنیده بود، جمع آوری کرد. ۷- چه کسی از ابوبکر تقاضای جمع آوری قرآن را کرد؟ روایتی می گوید: این عمر بود که از ابوبکر خواست قرآن را جمع آوری کند و ابوبکر امتناع ورزید و بعد از اصرار زیاد و پافشاری با وی موافقت کرد، آنگاه زید را خواست و تقاضای عمر را به وی پیشنهاد نمود. زید نیز پس از ابا و امتناع بالأخره با وی موافقت کرد، ولی در مقابل این روایت، روایتی می گوید که زید و عمر یک چنین درخواستی را از ابوبکر کردند و او نیز پس از مشاوره با مسلمانان به آنان جواب مثبت داد. ۸- چه کسی قرآن اصلی (مرجع) را جمع آوری کرد و نسخه‌های چندی از آنرا به شهرها فرستاد؟ روایتی تصریح می کند که قرآن اصلی به وسیله عثمان جمع آوری شده است، ولی از روایتی چنین بر می آید که تدوین کننده آن عمر بوده است. ۹- دو آیه آخر سوره براءت کی به آن ملحق شد؟ از ۳ روایت استفاده می شود که الحاق این دو آیه به آخر سوره براءت در دوران خلافت ابوبکر بوده است، ولی روایت‌های دیگر دلالت دارند که این الحاق در دوران خلافت عمر واقع شده است. ۱۰- همان دو آیه را چه کسی آورد و به نویسندگان قرآن ارائه کرد؟ دو روایت تصریح می کنند که این دو آیه را ابو خزیمه آورد، ولی دو روایت دیگر صراحت دارند در این که آورنده آن دو آیه خزیمه بن ثابت بوده است. در حالی که خزیمه و ابو خزیمه دو شخص جداگانه‌ای بوده اند و در میان آنان کوچکترین نسبت و قوم و خویشی هم وجود نداشته است. ۱۱- قرآن بودن این دو آیه چگونه و از چه راهی ثابت شد؟ در این مورد، روایت‌ها سه گروهند: بنا به روایت اول، قرآن بودن این دو آیه به وسیله شهادت تنها یک نفر ثابت شده است، ولی در دو روایت دیگر، شهادت عثمان نیز اضافه شده است و طبق تصریح روایتی دیگر، شهادت عمر به شهادت نفر اول اضافه شده است. ۱۲- عثمان چه کسی را برای املا و نوشتن قرآن معین کرد؟ روایتی تصریح می کند که عثمان، زید و ابن زبیر و سعید و عبدالرحمان را برای کتابت و املا قرآن معین نمود، ولی طبق صراحت روایتی دیگر او زید را برای کتابت و سعید را برای املا معین ساخت و طبق روایت دیگر وی خاندان ثقیف را برای کتابت و هذیل را برای املا آیات قرآن نامزد کرد، ولی با این حال روایتی صراحت در این دارد که نویسنده از ثقیف و املا کننده از هذیل نبوده است. و در برابر این روایات، روایت دیگری تصریح دارد که املا کننده آیات ابی بن کعب بوده،

۲- لازمه این روایات، پذیرفتن قرآن با شهادت دو نفر عادل است، و این معنا مخالف صریح اجماع مسلمانان در ثابت شدن قرآن باتواتر نقل آیات و سوره ها است. زیرا بعضی از این روایات می گویند: زید بن ثابت تنها با شهادت دادن دو نفر آیه ای را ثبت می کردند.^{۳۱} لازمه این سخن این است که قرآن با خبر واحد نوشته شده است نه از طریق تواتر، که هیچ مسلمانی نمی تواند به این مطلب ملتزم باشد یا چنین سخنی را بر زبان براند! همچنین قطعی بودن این که قرآن باید از راه تواتر ثابت شود نه از راه خبر واحد و شهادت دو نفر، دلیل بر دروغ بودن این روایات است.^{۳۲} بر این اساس باید روایاتی را که قرآن را با خبر واحد اثبات می کند به دور ریخت.^{۳۳}

۲-۳. ادله شهرت و رواج روایات جمع قرآن در عهد خلفاء

آنچه در سستی و بی اعتبار بودن روایات جمع قرآن بیان شد، واضح است اما سؤال جدی این است که چگونه با وجود این همه دلایل متقن و غیر قابل خدشه، خبرهای واحد و متناقضی چون روایات جمع قرآن این همه شهرت یافته و موجب شده در ذهن برخی، موضوع مهمی چون جمع قرآن، اجتهادی فرض شود. برای تحلیل دقیق مسأله می بایست آن را در بین اهل سنت و شیعیان به طور جداگانه بررسی کرد.

الف. دلیل شکل گیری و رواج روایات جمع قرآن در بین پیروان مکتب خلفا

برخی از پژوهشگران به تحلیل این مطلب پرداخته، و آنها را جعلی به ظاهر هوشمندانه معرفی کرده و چنین بیان می دارند: «روایات جمع قرآن، بزرگ نمایی ها و کوچک نمایی هایی دارند که بیشتر نمایانگر جعلی به ظاهر هوشمندانه از سوی دشمنان دانا و دوستان نادانی است که در فضایی تعصب آمیز و تفرقه گرایانه، خواهان کسب

آنچه را که زید می نوشته، سعید غلطگیری می کرده است و به همین مطلب در روایتی نیز تصریح شده، منتها در این روایت عبدالرحمان بن حرث برای غلط گیری اضافه شده است.

۳۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، پیشین، ۲۱۰/۱

۳۲. خوبی، سید ابوالقاسم، پیشین، ۲۵۶

۳۳. جعفریان، رسول، افسانه تحریف قرآن، مترجم: محمود شریفی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ سوم، ۱۳۸۶. ش، ۸۱

امتیازات بیشتر برای مذهب و قوم و قبیله خویش بوده اند تا از این طریق به زعم خویش، جایگاه خود را در تاریخ اسلام تثبیت کنند»^{۳۴}.

بعضی دیگر به جستجوی بیشتر پرداخته و با کنکاشی دقیق تر، حتی ریشه تاریخی این جعلیات را یافته و چنین بیان داشته اند: «پس از شهادت علی علیه السلام معاویه بر سرنوشت مسلمانان تسلط یافت. وی برای مقابله با مکتب اهل بیت علیهم السلام و استوار ساختن حکومت خود، به تقویت مکتب خلفا و فضیلت سازی برای آنان پرداخت و در این راستا به جعل و تحریف روایات اقدام کرد.»^{۳۵}

جعفر مرتضی عاملی برای این مسأله شاهدهی روایی هم می آورد و چنین بیان می کند: «طبرسی موضعگیری تندی از امام حسن علیه السلام در برابر معاویه برای ما نقل می کند و در این موضعگیری، صریحاً معاویه را متهم به اشاعه این نوع شایعات می کند، به طوری که امام علیه السلام به معاویه می گوید: «...گمان می کنی عمر به پدرم پیام داد که من می خواهم قرآن را در یک مصحف بنویسم...» (سپس روایت مخالفت امیر المؤمنین علی علیه السلام با تسلیم مصحف به عمر و دستور عمر به جمع آوری آیات بر اساس شهادت دو شاهد را نقل می کند) و سپس امام در پایان سخن خود می گوید: «...بعد گفتند: آیات زیادی از قرآن از میان رفت. قسم به خدا دروغ گفتند، بلکه قرآن محفوظ است و نزد اهلس قرار دارد...»^{۳۶} سپس جعفر مرتضی از این روایت نتیجه می گیرد که: می بینیم امام علیه السلام داستان طلب عمر مصحف علی علیه السلام را و دستور کتابت قرآن به شهادت دو شاهد را به معاویه نسبت می دهد و آن را اکاذیب معاویه می شمارد، و این دلیل روشنی است بر آن که این مسائل ساخته معاویه بوده و برای تحقق اهداف خود دست به شایعه سازی زده بوده است.»^{۳۷}

۳۴. رجبی، محسن، پیشین، ۲۶۸

۳۵. ناصحیان، علی اصغر، ۳۰۰

۳۶. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، بی جا، ۱۳۸۳ ه.ق، ۲/۲۸۸

۳۷. العالمی، جعفر مرتضی، حقائق مهم پیرامون قرآن کریم، ترجمه سید حسن اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول،

۱۳۷۱ ه.ش، ۳۷-۳۸

بنا بر این می توان به این نتیجه رسید که یا این روایات از پایه، بافته ها و جعلیاتی بیش نیستند و یا اینکه هر چند اشاره به واقعتی تاریخی می کنند اما آن واقعت را چنان تحریف شده بیان کرده اند که به خوبی گویای حقیقت مطلب نباشد. که به نظر می آید نظر دوم نزدیکتر به صواب باشد.

بر این اساس در جمع بندی مطالب می توان چنین بیان کرد که :

قرآن و به خصوص سوره های آن در زمان پیامبر اکرم ﷺ به طور کامل جمع و مرتب شده در سینه های حافظان و برخی مصاحف کتاب وحی موجود بود و رسمی ترین نسخه آن در خانه پیامبر اکرم ﷺ وجود داشت. بنا بر وصیت پیامبر اکرم ﷺ، امیر مؤمنان علی ؑ - که جانشین بر حق پیامبر بودند - موظف بودند این نسخه را مرتب کرده، میان دو جلد قرار داده و به هم بدوزند چنانکه این معنا از حدیث وصیت پیامبر (ص) استفاده می شود:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِعَلِيِّ ؑ يَا عَلِيُّ الْقُرْآنُ خَلْفَ فِرَاشِي فِي الْمُصْحَفِ وَالْحَرِيرِ وَالْقَرَّاطِيسِ

فَخُذُوهُ وَاجْمَعُوهُ»^{۳۸}

و آنگاه آن را آماده عرضه و نسخه برداری در اقطار جامعه اسلامی کنند تا قرآن بی هیچ دست خوردگی چه در لفظ و چه در نظم به عنوان سند جاودانه و نقشه راهبردی امت اسلامی در دسترس همگان قرار گیرد.

اما بعد از پیامبر اکرم ﷺ عده ای خلافت بر حق علی ؑ را غصب کرده و امت اسلامی را به سمت انحرافی بزرگ سوق دادند و از آنجا که صحابه بزرگ پیامبر اکرم ﷺ و به ویژه امیر المؤمنین علی ؑ را که در امر قرآن از آنان پیشی داشتند؛ زنگ خطر برای خلافت خود می دیدند^{۳۹} ابوبکر شروع به جمع آوری قرآن کرد و از بین آن همه صحابه والا مقام پیامبر اکرم ﷺ زید بن ثابت را که در غصب خلافت و رسیدن آن بدیشان نقشی داشت و وفادار به خلافت ایشان و لذا مورد اعتماد آنان بود؛ برای اینکار انتخاب کردند^{۴۰} تا از این راه فضیلتی را برای هر

۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، مؤسسه دارالعلم، بی جا، ۱۴۰۴ق، ۴۵۱/۲؛ ترجمه: رسول خدا ﷺ به علی ؑ فرمودند: ای علی، قرآن در بالای رخت خواب من، در مصحف، حریر و کاغذهایی است پس آن را بگیر و جمع کن.

۳۹. رامیار، محمود، پیشین، ۳۳۱-۳۳۲

۴۰. ن.ک: العاملی، جعفر مرتضی، پیشین، ۱۰۵-۱۰۸؛ رامیار، محمود، پیشین، ۳۲۰-۳۲۱

یک از گرد آورندگان و کسانی که دستور گردآوری آن را دادند ثابت نمایند^{۴۱} و لذا هم فضیلت علی عَلَيْهِ السَّلَام را در وصی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودن به خصوص در موضوع جمع و عرضه قرآن، تحت الشعاع قرار داده^{۴۲} و هم، خود و جامعه را محتاج امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام معرفی نکنند^{۴۳} و همه اینها چنانکه گفتیم. از این جهت مهم بود که بتوانند با وجود افراد شایسته ای چون علی عَلَيْهِ السَّلَام خود را لایق خلافت قلمداد کنند؛ از این رو حتی از هر کوششی برای تبلیغ و بزرگ جلوه دادن کار دریغ نکردند لذا به عنوان مثال، اوراق اصلی و منابع اساسی را نادیده گرفتند و اینگونه تداعی کردند که قرآن را با سختی و فشار شدید از روی استخوان پاره ها و شاخه های خرما، شهادت دو شاهد و... جمع آوری کرده اند!^{۴۴} و یا اینکه در همین راستا هر روایتی که به نحوی جلوی اجرای کامل این سیاست را می گرفت از صحنه خارج کرده و به نحوی تضعیف کردند و به همین جهت روایاتی ساختند که در مصاحف بزرگان صحابه طعن و نقصی وارد کنند.^{۴۵}

صحنه سازی جمع قرآن توسط ابوبکر به وسیله تمام کسانی که از آن سود می بردند و هم چنین به وسیله هم فکران و هم نظران سیاسی آنها اشاعه^{۴۶} و به خصوص در دوران حکومت معاویه به اوج خود رسید و تکرار آنها در بین پیروان مکتب خلفاء به تدریج آن را شهرت بخشید؛ به ویژه آنکه حاکمان مستبد اموی تنها به افراد خاصی اجازه فتوا و نقل روایت می دادند. با از میان رفتن صحابه و فراموش شدن حقایق دوران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، این ادعا که قرآن پراکنده بود و برای نخستین بار ابوبکر آن را گرد آورد، مسلم تلقی شد و از آغاز قرن دوم به بعد، محدثان و مورخان آن را همچون حقیقتی مسلم در کتب حدیثی و تاریخی خود نوشتند.^{۴۷}

۴۱. جعفریان، رسول، پیشین، ۸۱

۴۲. معارف، مجید، در آمدی بر تاریخ قرآن، پیشین، ۱۶۶

۴۳. کورانی، علی، تدوین قرآن، مترجم: سید محمود عظیمی، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۰ه.ش، ۱۲۳

۴۴. ایازی، محمد علی، کاوشی در تاریخ جمع قرآن، ۴۳-۴۴

۴۵. العاملی، جعفر مرتضی، پیشین، ۱۰۴

۴۶. همان

۴۷. ناصحیان، علی اصغر، پیشین، ۳۰۰-۳۰۱

ب. علت رواج روایات جمع قرآن در میان شیعه

آنچه بیان شد، چگونگی رواج داستان پردازی ها پیرامون جمع قرآن بالاخص در بین پیروان مکتب خلفا بود اما این مسأله در بین پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام هر چند با برخورد دیگری مواجه شد اما این برخورد نیز به نوعی بر ابهام جریان جمع قرآن در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حتی رواج روایات جمع قرآن توسط خلفا افزود.

پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بنا به دلایلی آن چنان که باید به قرآن پرداختند^{۴۸} و از این رو چنانکه می بینیم مصنفات اصلی و نخستین علوم قرآنی، توسط عالمان مکتب خلفا نوشته شده و مبتنی بر روایات و مبانی آن مکتب و به دور از تعالیم اهل بیت علیهم السلام است. این مطلب باعث شد که آنان نیز بدون نقد و بررسی و به طور ضمنی روایات جمع قرآن توسط خلفا را بپذیرند با این تفاوت که آنان چون امامان بر حق را مظلوم و غاصبان خلافت را داعیه داران قرآن می دیدند به واقعیت مهم تاریخی دیگر یعنی مصحف امیر المؤمنین علی علیه السلام پرداختند - که وجود آن بنا به روایات فریقین، تردید ناپذیر و غیر قابل انکار است^{۴۹} - و با نقل و تحلیل اغراق آمیز روایات مربوط به آن سعی کردند این گونه از حریم ولایت دفاع کنند بدون اینکه به جمع بندی دقیق این روایات پرداخته و آنان را به محکومات قرآنی و روایی عرضه کنند.^{۵۰}

بر این اساس چنان در اذهان شیعه، نقش گرفت که قرآن اصلی همان مصحف علی علیه السلام است، که این مصحف توسط ایشان به غاصبان خلافت عرضه شد اما آنان نپذیرفتند. ولی قرآن موجود در زمان خلفاء جمع آوری و مرتب شده است و لذا باید با دیده شک و تردید در آن نگریست.

۴۸. ن.ک: طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۲۷۳/۵-۲۷۶

۴۹. ر.ک: نجار زادگان، فتح الله، بررسی و نقد اسناد مصحف امام علی ۷ در منابع فریقین، فصلنامه مقالات و بررسیها، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۷۹ ه.ش، ۲۳-۴۴

۵۰. البته نباید فراموش کرد که عالمان و اندیشمندان شیعی در قرن اخیر و به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران اهتمام جدی تری را به امر قرآن شروع کرده اند و لذا به تدریج بسیاری از حقایق قرآنی که دستخوش تحریفات، کج فهمی ها و افراط و تفریط ها شده بود در حال روشن شدن است. نمونه بسیار کوچکی از این حرکت عظیم، برخی از منابع جدید شیعی است که در این پایان نامه نیز از آنها مدد گرفته شده است.

در حالی که اگر محکقات قرآنی و روایی را که به گوشه ای از آن اشاره شد در نظر بگیریم و اخبار و روایات پیرامون این مطلب را بعد از عرضه به این محکقات، جرح و تعدیل کنیم به این نتیجه می رسیم که: امیر المؤمنین علی علیه السلام به دو کار مبادرت فرموده اند: یک بار بنا بر وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآنی را که در بیت شریف ایشان بوده گردآوری نموده و بدون آنکه به آن مطلبی بیافزایند در میان دو جلد قرار داده اند؛ و بار دیگر به تألیفی دست زده اند که در آن تفسیر و تأویل، شأن نزول، سبب نزول، ناسخ و منسوخ و بسیاری از مطالب مفید در فهم قرآن افزوده شده است.^{۵۱}

در این صورت، کار نخست حضرت در میان دو جلد قرار دادن قرآن بوده است آن هم نسخه ای از قرآن که در خانه پیامبر (ص) بوده و قرار بود به عنوان نسخه رسمی و عمومی قرآن توسط جانشین بر حق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه منتشر شود اما کار دوم حضرت، همان مصحف منسوب به ایشان بوده، که کتابی مختص امامان معصوم علیهم السلام بوده نه نسخه قرآن عمومی زیرا مصحفی که همه احکام و فرائض، حد و حکم با جزئی ترین مسائل آن حتی دیه خراش در آن مکتوب شده است^{۵۲} یک کتاب عمومی نیست، بلکه به عنوان سندی برای ائمه امت و حاکمان جامعه اسلامی به حساب می آید؛ لذا از ائمه هدی علیهم السلام چنین رسیده است که اگر ما حکومت بر مردم را دست می گرفتیم در چارچوب همین کتاب که در واقع تفصیل کلیات قرآن است بر مردم حکم می کردیم^{۵۳} و از همین روست که از امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان وصیت کرده که این مصحف دست به دست به ائمه طاهرين علیهم السلام منتقل گردد.^{۵۴}

۵۱. ن.ک: ایازی، محمد علی، کاوشی در تاریخ جمع قرآن، پیشین، ۸۳-۸۶

۵۲. کافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، پیشین، ۲۴۱-۲۴۲؛ صفار، ۱۴۳؛ طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، پیشین، ۱۵۳/۱؛ المجلسی، محمد باقر، پیشین، ۴۱/۸۹

۵۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ دوم، ۱۴۰۴.ق، ۱۴۳

۵۴. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، پیشین، ۱۵۴-۱۵۵؛ المجلسی، محمد باقر، پیشین، ۴۱/۸۹

ج. جمع بندی

گروههای مسلمانان در اثر برخورد نا صحیح با مسأله جمع قرآن هر یک به نوعی باعث فراموش شدن حقیقت مطلب و رواج تحریفیات و تلقیاتی ناصواب از این مسأله مهم شدند. آیت الله بروجردی برخورد نا صحیح گروههای مسلمانان با مسأله جمع قرآن را اینگونه بیان می کند:

عده زیادی از شیعیان و اهل سنت روایات زیادی در مقام منزه کردن و تجلیل از امامانشان و بیان معایب دشمنانشان نقل کرده اند و با این کار قرآن را ضایع کردند، از جمله آن روایاتی که اهل سنت نقل کرده اند، اخباری است پیرامون جمع قرآن که سیوطی آن را در تفسیرش آورده است. هدف عامه در نقل این روایات، بیان فضیلت ابوبکر و عمر و نشان دادن خدمت آن دو به اسلام بوده است و از جانب آنان این روایات در میان خاصه راه پیدا کرده است، و اهل سنت در نقل این روایات که باعث نابودی عظمت قرآن می شود، برای بزرگداشت خلفا افراط کرده اند، همچنان که شیعه نیز در نقل روایاتی که دلالت می کند علی علیه السلام قرآن را گرد آورد و آن را نزد مردم برد و آنان آن را نپذیرفتند، افراط کرده اند.^{۵۵}

بر این اساس در پایان می توان نتیجه گیری کرد که، قرآن کنونی، نه به امر و اجتهاد خلفا، بلکه با وحی الهی و فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله گرد آوری شده و سند راهبردی اسلام است و همگان بنا به عتابها و توصیه های قرآن در چهار آیه از آیات نورانی خود^{۵۶} باید در آن تدبیر کنند و وظیفه امامت و رهبری امت اسلامی نیز به وسیله تبیین قرآن بر عهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.^{۵۷}

۵۵. بروجردی، سید حسین، نهاییه الأصول، نشر تفکر، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق، ۴۸۳

۵۶. نساء/ ۸۲، مؤمنون/ ۶۸، ص/ ۲۹، محمد/ ۲۴/۹

۵۷. نحل/ ۴۴

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آخرین توصیه های همگانی خود در حدیث غدیر، همه گروههای مردم را به تدبر در قرآن دعوت کردند «مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ»^{۵۸} و از سوی دیگر امیر المؤمنین علی عَلِيٌّ را نیز بعد از خود به عنوان مبین و مفسر قرآن کریم و لذا ولی و سرپرست جامعه اسلامی معرفی کردند:

«فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَا يُوضِّحَ لَكُمْ عَنْ تَفْسِيرِهِ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ...»^{۵۹}

تبیین قرآن توسط امیر المؤمنین عَلِيٌّ به مدد تعلیمات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود که در قالب مصحف موسوم به مصحف علی عَلِيٌّ گرد آوری شده بود. این مصحف دست به دست به ائمه طاهرين عَلَيْهِمُ السَّلَام به عنوان رهبران امت اسلامی به ارث رسید.^{۶۰} ایشان نیز با تعالیم این مصحف و با گفتار، رفتار و تقریرات خود در عرصه های مختلف زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی و نظامی به تبیین و تفسیر آن، مطابق با شرایط زمان و مکان و مخاطبان گوناگون می پردازند.^{۶۱}

۵۸. الحر العاملي، محمد بن حسن، پیشین، ۱۹۳/۲۷؛ ترجمه: ای گروههای مردم در قرآن تدبر کنید و آیات آن را بفهمید.

۵۹. همان؛ ترجمه: پس به خدا هیچ کس نواهی قرآن را برای شما تبیین نمی کند و احدی تفسیر آن را برای شما روشن نمی کند، جز همین کسی که من، دست او را گرفته ام.

۶۰. المجلسی، محمد باقر، پیشین، ۴۱/ ۸۹

۶۱. رجبی، محسن، پیشین، ۲۷۳